

به نام خداوند جان و خرد

پولسازی مخصوص

بانوان

دستورالعملی کاملاً کاربردی برای رساندن بانوان به استقلال مالی است.

نویسنده:

امیر قنبری (متخصص و مشاور کسب ثروت)



مطالب این کتاب از دوره آموزشی «ثروتمند شدن به سبک زنانه» که برای اولین بار در ایران توسط امیر قنبری طراحی و برگزار شد اقتباس شده است. در حال حاضر هزینه شرکت در این دوره هفت میلیون تومان است، اما برای اینکه تمام بانوان بتوانند از محتویات این دوره به صورت غیرحضوری بهره‌مند شوند این کتاب تهیه و چاپ شده است.

اگر زندگی یک زن دیگر برایتان اهمیت دارید با هدیه دادن این کتاب به او زندگی تازه‌ای هدیه دهید.

تقدیم به:

از طرف:

فهرست

فصل ۱: چرا باید پولدار شوید؟

فصل ۲: چرا پولدار نمی‌شوید؟

فصل ۳: چطور پول را مدیریت کنید؟

فصل ۴: چطور پولدار شوید؟

فصل ۵: چطور پول را حفظ کنید؟

مقدمه

اگر خانم‌ها رانندگی یاد گرفتند پول‌دار شدن هم یاد می‌گیرند. زمانی که برای اولین بار در ایران دوره «ثروتمند شدن به سبک زنانه» را طراحی کردم سراغ فعالان حوزه آموزش رفتم، جمله بالا را یکی از قدیم‌ترین افراد در حوزه آموزش کشور به من گفتم. این موضوع باعث شد بنده و بانوانی که در دوره‌ها شرکت می‌کردند عزمشان را بیشتر جزم کنند تا به آن چیزی که می‌خواهند خیلی زود برسند.

برای من هیچ تفاوتی ندارد شما در حال حاضر درآمد یا پولی دارید یا خیر، تنها چیزی که برای من اهمیت دارد ثروتمند شدن شماست. در تمام کتاب این موضوع را یاد خواهید گرفت که به راحتی می‌توانید پول به دست آورید، مدیریت و زیادش کنید.

چارچوب کلی این کتاب از کتاب‌های «زنان باهوش آخرش پولدار می‌شوند» نوشته دیوید باخ، «زن پولدار» نوشته کیم کیوساکی و «دختران مهربان پولدار نمی‌شوند» نوشته دکتر لوئیز فرانکل گرفته شده است؛ اما با توجه به اینکه خیلی از شرایطی که در آن کتاب‌ها گفته شده است در کشور ما به راحتی قابل اجرا نیست این کتاب پدید آمد تا بانوان ایرانی به راحتی بتوانند به خواسته‌های مالی خود برسند.

بزرگ‌ترین وجه تمایز این کتاب با سایر کتاب‌های مشابه کاربردی بودن آن است. تمام روش‌هایی که در اینجا آمده است بارها و بارها توسط بانوان همین مرز و بوم به ورطه آزمون و خطا درآمده و ماحصلش به

دست شما رسیده است. وجه تمایز دیگر این کتاب دستورالعمل‌های انتهای هر فصل است، شما می‌توانید فقط با انجام همان‌ها زندگی مالی‌تان را متحول سازید.

چه کسانی می‌بایست این کتاب را مطالعه کنند؟ جواب واضح است، تمام بانوان. هیچ قید و شرطی هم وجود ندارد. تمام بانوان با هر سنی، شغلی، جایگاهی، تخصصی و ... نیاز دارند که در مورد آینده مالی خود کاری انجام دهند.

اگر هنوز باور ندارید که نیازمند به مطالب این کتاب هستید نگاهی به فصل اول بیندازید، در این فصل دلایل اینکه چرا یک زن باید پولدار شود را مطرح کرده‌ام. پس از آن سروقت دلایلی می‌رویم که باعث می‌شود پولدار نشوید.

نگران نباشید در فصل چهارم تمام راه و روش‌های به دست آوردن پول را یاد خواهید گرفت. اگر در فکر ایجاد کسب‌وکار یا سرمایه‌گذاری هستید فصل چهارم تمام مهارتی را که نیاز دارید در اختیارتان قرار می‌دهد. در فصل پنجم نیز مهارت حفظ پول را یاد خواهید گرفت.

زمان را از دست ندهید، اگر واقعاً از بی‌پولی خسته شده‌اید و مدت‌ها در فکر این بودید که چه کاری باید انجام دهید و قصد دارید طعم آزادی مالی را بچشید همین الآن مطالعه این کتاب را شروع کنید. به دنیای ثروتمند شدن به سبک زنانه خوش آمدید.

فصل ۱

چرا باید پولدار شوید؟

پشت هر مرد موفق...

پرفروش‌ترین کتاب حوزه ثروت در دنیا کتاب «بیندیشید و ثروتمند شوید» نوشته ناپلئون هیل است. بیایید قبل از هر چیز نگاهی به فصل یازدهم این کتاب بیندازیم. دو جمله زیر عیناً از متن این کتاب انتخاب شده‌اند.

«تحقیقات علمی این حقایق بزرگ را نشان داده‌اند: همه مردانی که توانسته‌اند از فرصت‌های طلایی به دست آمده در زمینه ادبیات، هنر، صنعت، معماری و یا تخصص‌های دیگر استفاده کرده و به موفقیت‌های فوق‌العاده برسند، همگی تحت تاثیر یک زن بوده‌اند.»

«مولف این کتاب پس از بررسی‌های فراوان به این نتیجه رسیده‌است که همه مردان موفق تحت تاثیر عمیق همسر خود به دستاوردهای بزرگ نائل شده‌اند. در همه این موارد، همسران این مردان بزرگ در جامعه

معرفی نشده‌اند چون زنانی بسیار فداکار و همواره در پس پرده بوده‌اند.»

به کتاب خودمان بازگردیم، آخرین باری که این جمله را شنیده‌اید کی بود؟ پشت هر مرد موفق یک زن موفق است. آیا به این جمله فکر کرده‌اید؟ تعریف شما از موفقیت چیست؟ آیا موفقیت را در لطافت، مهربانی، وقار، همدلی، فداکاری و حمایت کردن از مردان خلاصه می‌کنید یا اینکه این موفقیت شامل شکوفا شدن استعدادهایتان و بروز آن‌ها در تمام عرصه‌های زندگی‌تان نیز می‌شود؟

آیا به این موضوع فکر کرده‌اید که چرا می‌توانید مشاوره‌ی دوراندیش، حمایت‌گری باوفا و مشوقی عالی برای دیگران باشید اما زمانی که به خودتان می‌رسید همه چیز شکل و شمایل دیگری به خود می‌گیرد و مدام به دنبال یک حامی یا پشتیبان می‌گردید؟ آیا به این موضوع اندیشه‌اید که می‌توانید در کنار مادر خوب، خواهر خوب و همسر خوب بودن، خودتان نیز در تمام عرصه‌های زندگی بدرخشید؟

یکی از آن عرصه‌ها بدون هیچ شک و تردیدی حوزه موفقیت مالی و کسب ثروت است. اگر فقط به فکر موفق کردن دیگران هستید و این جمله‌ی «پشت هر مرد موفق یک زن موفق است» برای شما کفایت می‌کند همین حالا این کتاب را کنار بگذارید یا به بانوی دیگری هدیه دهید؛ اما اگر تصمیم گرفته‌اید آینده مالی خودتان را تغییر آ»

دهید و به عنوان یک بانوی نمونه در تمام زمینه‌ها بدرخشید من راهش را بلد هستم، بنابراین با من همراه شوید.

چرا یک مرد؟

مادرم سال ۱۳۶۰ به استخدام شرکت کنتورسازی ایران در شهر صنعتی البرز قزوین درآمد. بعد از دو سال به دلیل خوب کار کردن و شایستگی سرپرست یکی از واحدهای اجرایی شد. در همین سال نیز با پدرم آشنا شده و این آشنایی منجر به دو اتفاق شد، اولی ازدواج با پدرم و دومی استعفا از کنتورسازی. ناگفته نماند که استعفا از کنتورسازی با میل و رغبت مادرم اتفاق نیفتاد بلکه به دلیل عقاید مردانه پدرم و عقاید مادرشوهرانه خانواده پدرم ایشان مجبور به استعفا شد. این جمله معروف که می‌گوید: «زن باید توی خونه بشینه بچه‌هاشو بزرگ کنه» دامن‌گیر مادر من نیز شده بود. از این اتفاق نزدیک به سی و پنج سال می‌گذرد اما هنوز هر وقت پای درد و دل مادرم باز می‌شود با اولین آه سردی که می‌کشد این جمله را می‌گوید: بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌ام این بود که از کنتورسازی استعفا دادم. وقتی بیشتر در مورد تلخی این اتفاق از او سؤال می‌شود همیشه دلایلی را مطرح می‌کرد که بسیار قابل تأمل و گاهی اوقات دردناک بودند. یادم می‌آید در یکی از جر و بحث‌های خانوادگی مادرم این جمله را به پدرم گفت:

چرا باعث شدی من از کنتورسازی استعفا بدم تا یک عمر دست‌گذاری

برای پول جلوی تو دراز کنم...

مشاجره برای پول و مباحث مالی بخش جدایی‌ناپذیر منزل ما بود. هر بار که این اتفاق می‌افتاد همه منتظر جملاتی شبیه به جمله بالا از سوی مادرم بودیم. نمی‌دانم پدرم در برابر این جملات چه احساسی داشت اما واقعاً دوست دارم یک موضوع را بدانم، در مواقعی که به بن‌بست مالی برمی‌خورم به این که اگر مادرم شاغل بود و یک منبع درآمد داشت در این وضعیت می‌توانست کمی از بار روی دوشش را بردارد فکر می‌کرد یا نه؟! از آنجایی که همیشه در منزلمان پول عنصری نایاب بود فکر می‌کردم که این اختلافات فقط در بین خانواده من است؛ اما اشتباه می‌کردم.

چند سال قبل در نمایندگی یکی از شرکت‌های واردکننده خودروهای لوکس فعالیت می‌کردم. اکثر مشتریان از قشر مرفه و متمول جامعه بودند و حداقل خودرویی که از نمایندگی خریداری می‌کردند چند صد میلیون تومان ارزش داشت. در یکی از روزها خانمی که با ماشین لوکس همسرش تصادف کرده بود به نمایندگی مراجعه کرد. طوری حالش بد بود که همکارانم برایش آب قند تهیه کردند و هر کس به نحوی می‌خواست ایشان را به آرامش دعوت کند. تمام حال بد ایشان از ترس و اضطراب این بود که اگر همسرم متوجه شود من را می‌کُشد. الان که به آن روز فکر می‌کنم می‌بینم حق داشت، وقتی همسرش وارد نمایندگی شد تمام دیوارها و ستون‌ها می‌لرزید. آقای محترم فریاد می‌کشید و می‌گفت: «چرا با پول‌های من اینطوری رفتار می‌کنی؟ چرا پول‌هامو از بین می‌بری؟ و ...». بعد از این اتفاق شروع به یک بررسی ساده کردم، زندگی بانوانی را رصد کردم که به واسطه همسرشان از نظر مالی در

شرایط خوبی بودند. نتایج بسیار تأمل‌برانگیز بود، اکثرشان در شرایط مالی خوبی به سر می‌بردند اما از لحاظ استقلال مالی و احساس امنیت خاطر در وضعیت اسفباری بودند. یکی از بیش‌ترین کلماتی که شنیدم واژه «تحقیر» بود، یعنی آن‌ها پول را در ازای فروش «عزت نفس» خود به دست آورده بودند. آنجا بود که این فکر به ذهنم خطور کرد، چرا اکثر بانوان اهمیت داشتن پول و ثروت را می‌دانند اما در جهت کسب آن اقدامی نمی‌کنند؟ چرا زنانی مانند مادر من در خانه فقر و زنان دیگر در یک زندگی مرفه باید احساس تحقیر شدن را تجربه کنند؟ این‌ها سؤالاتی بود که مطرح شدند و باید برای آن‌ها پاسخ مناسبی می‌یافتم. از آنجایی که هیچ سؤالی در جهان هستی بی‌پاسخ نمی‌ماند دست روزگار مرا معلم کسب ثروت کرد و تمام پاسخ‌ها را در ادامه برای شما بازگو خواهم کرد.

مهم‌ترین سؤال کتاب

می‌خواهم قبل از اینکه به چگونه ثروتمند شدن‌تان بپردازم به این سؤال پاسخ دهید، چرا باید ثروتمند شوید؟ این سؤال از قضا مهم‌ترین سؤال کتاب است. چند لحظه به این سؤال فکر کنید. جواب‌هایتان را در دفتری یادداشت کنید، زیرا مسیر کسب ثروت یک راه ساده و هموار نیست، اگر حاضر باشید در این مسیر حرکت کنید مطمئناً روزی به این دلایل نیاز خواهید داشت. نیچه می‌گوید: «اگر با چرایی کاری کنار بیایید با چگونگی انجام دادنش نیز کنار می‌آیید.»

مهم‌ترین سؤال کتاب این است: چرا باید یک زن ثروتمند شود؟

خانم باربارا دی آنجلس در کتاب «رازهایی درباره زنان که مردان باید بدانند» از سه نیاز پنهان هر زن صحبت می‌کند، او می‌گوید خیلی از مواقع حتی زنان از این نیازها باخبر نمی‌شوند اما دلیل خیلی از اوقات تلخی‌ها و ناراحتی‌ها در یک زن نادیده گرفتن یا برآورده نشدن همین نیازها است. این نیازها عبارت‌اند از:

- زن‌ها نیاز دارند احساس امنیت کنند.
- زن‌ها نیاز دارند احساس پیوند و ارتباط کنند.
- زن‌ها نیاز دارند به آن‌ها احترام گذاشته شود.

نظرتان راجع به ارتباط میان پول و احساس امنیت چیست؟ چه از این اتفاق خرسند باشیم چه نباشیم امروزه پول در جایگاه رفیعی قرار گرفته است. به گفته یک ضرب‌المثل قدیمی: «هر کسی که پول دارد دارای قدرت است و هر کسی که قدرتمند است می‌تواند حکم صادر کند.» نمی‌خواهم به صورت افراطی نظر بدهم و بگویم که تمام احساس امنیتتان در گرو پولدار بودن است اما از شما می‌خواهم لحظه‌ای در مورد ارتباط میان پول و احساس امنیت بیندیشید. در بخش رویاها نیز متوجه برطرف شدن دو نیاز دیگر به واسطه پول خواهید شد.

یک تراژدی تلخ

خانم و آقای باهم ازدواج می‌کنند. سال‌های اول همه چیز خوب پیش می‌رود تا اینکه روزی خانم یک مقدار به رفتارهای آقا مشکوک می‌شود. خانم بعد از کمی کارگاه بازی متوجه می‌شود که حدسش درست است و آقا احساس قهرمان المپیک بودن را دارد، زیرا با زنی جوان تر و البته زیباتر آشنا شده است. امیدوارم هیچ زنی این احساس را در زندگی‌اش تجربه نکند.

چند وقت پیش به کارگاه صوتی یکی از بزرگ‌ترین مشاوره‌های ازدواج در ایران گوش می‌کردم. مبحث در خصوص خیانت و راهکارهای جلوگیری از آن در زندگی زناشویی بود. کارشناس محترم برای بانوانی که همسرشان به آن‌ها خیانت کرده و پولی نداشتند یک توصیه داشتند. ایشان می‌گفتند: «خانم، حالا که نه پول داری، نه کاری از دستت برمی‌آید، نه خانواده‌ای داری که حمایتت کند، پس تحمل کن، فقط مثل قبل به شوهرت خدمات نده.»

خانم تحمل کن. یاد جمله‌ای از شارون لچر^۱ افتادم، او می‌گوید بسیاری از زنان روابط تلخ زناشویی را به خاطر نداشتن پول تحمل می‌کنند. به اولین مورد از نیازهای پنهان یک زن برگردیم، آیا این احساس امنیت را فقط از طریق یک مرد (پدر، برادر، همسر و ...) دریافت می‌کنید؟!

^۱ نویسنده بخش‌هایی از کتاب پدر پولدار پدر بی‌پول

توجه	توجه
معنای عدم وابستگی توهین، درگیری، تمت فشار قرار دادن مرد	زندگی‌تان یا جدایی نیست، بلکه قرار است در کنار همسر، مادر و فواهر
فوب بودن به استقلال مالی فودتان نیز توجه کنید.	

وابستگی کافی است...

طبق بررسی‌های انجام شده شما به این چهار دسته وابستگی مالی دارید:

- مرد
- خانواده
- محل کارتان
- دولت

در بخش قبلی نمونه‌ای از وابستگی به مرد را توضیح دادم. در این بخش می‌خواهم چاقوی دو لبه‌ای به نام خانواده را توضیح دهم. طبق فرهنگ و عرف جامعه ما زنان از نظر مالی همیشه تحت سلطه خانواده هستند. حالت خوب این داستان زمانی است که شما درآمد دارید و این تسلط فقط بر روی نحوه خرج کردن شما است، اما حالت بد زمانی است که هیچ درآمدی نداشته و مجبور باشید برای حداقل‌ترین مخارجتان از خانواده درخواست پول نمایید.

واژه چاقوی دو لبه را بی‌دلیل برای خانواده انتخاب نکردم. در خیلی از جلسات مشاوره‌ام با این قضیه برخورد می‌کنم که یک زن کار می‌کند و یک خانواده از حقوق این زن ارتزاق می‌کنند. گاهی اوقات خانواده نه تنها

همکاری نمی‌کند بلکه خودشان به تنهایی تمام منابع درآمدتان را از بین می‌برند.

وابستگی مالی بعدی شما به محل کارتان است. اگر فردا اخراج شوید چه اتفاقی برایتان می‌افتد؟ چقدر پس‌انداز یا سرمایه‌ی در گردش دارید تا بتوانید امورات زندگی‌تان را بگذرانید؟ در نهایت به دولت می‌رسیم. یکی از کارگاه‌های آموزشی که برگزار می‌کنم مخصوص راه‌اندازی مشاغل خانگی برای بانوان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) است. در آن کلاس‌ها با بانوانی مواجه می‌شوم که تنها منبع درآمدشان مستمری کمیته امداد و یارانه‌ای است که از دولت دریافت می‌کنند. آن‌ها با مبلغی در حدود یک صد هزار تومان زندگی می‌کنند.

وابستگی مالی دیگر کافی است. برای من هیچ فرقی نمی‌کند در حال حاضر از نظر مالی در چه جایگاهی قرار دارید، زندگی مالی شما از این دو حالت خارج نیست، وابسته‌اید و یا مستقل. سؤالی که از شما دارم این است که آیا از نظر مالی وابسته هستید یا مستقل؟
زمانی می‌توانید به پول، ثروت و استقلال مالی برسید که سبک و روش زندگی‌تان را از وابسته به مستقل تغییر حالت بدهید.

توجه	توجه
معنای عدم وابستگی توهین، درگیری، تمت فشار قرار دادن مرد	
زندگی‌تان یا جدایی نیست، بلکه قرار است در کنار همسر، مادر و فواهر	
فوب بودن به استقلال مالی خودتان نیز توجه کنید.	

فریب آرامش قبل از طوفان را نخورید

در اولین دوره آموزشی «ثروتمند شدن به سبک زنانه» مادری در کلاس ثبت‌نام کرده بودند که دارای دو فرزند معلول بودند. شوهرشان بعد از اینکه توانایی پرداخت هزینه‌های زندگی را نداشتند ایشان و دو فرزند معلول را رها می‌کنند و بدون اطلاع قبلی غیب می‌شوند. فقط از شما می‌خواهم برای چند دقیقه‌ای خودتان را جای آن مادر قرار دهید. مسلماً فکرش آزاردهنده است چه برسد به اتفاق افتادنش.

بعضی مواقع برای گرفتن کاسه چه کنم چه کنم در دست بسیار دیر است. فریب آرامش قبل از طوفان را نخورید، قبل از طوفان مسائل مالی اگر درها و پنجره‌ها را بسته و آمادگی کامل داشته باشید اتفاق تلخی نمی‌افتد، اکثر بانوان حتی به آن روزها فکر نمی‌کنند. بانوی گرامی، مرگ برای همسایه نیست، اتفاقات و مسائل مالی پیش آمده برای دوست، خواهر یا جاری‌تان برای شما نیز امکان‌پذیر است. اگر به فکر بزنگاه زندگی‌تان نباشید دچار ویرانی مالی می‌شوید. دیوید باخ^۱ در کتاب زنان باهوش آخرش پولدار می‌شوند از اصطلاح ویرانی مالی استفاده می‌کند. ویرانی مالی به زمانی گفته می‌شود که زن در یک بحران مالی قرار گرفته است و نه تنها پولی ندارد بلکه هیچ‌چیزی در مورد پول درآوردن نیز بلد نیست. نتیجه ویرانی مالی فقط یک واژه بسیار تلخ است، حقارت.

^۱ نویسنده و مشاور امور مالی

قبل از طراحی دوره «ثروتمند شدن به سبک زنانه» با چندین بانوی پا به سن گذاشته صحبت کردم و از آنها خواستم یک نصیحت مادرانه در خصوص پول و زن به من ارائه دهند. نتیجه شگفت‌زده‌ام کرد، تمام آنها این جمله معروف را گفتند: «زن باید همیشه برای خودش یه پولی کنار داشته باشه.» وقتی دلیل این نصیحت را پرسیدم تمام آنها سعی در این داشتند که بگویند در زندگی زن بزنگاه‌هایی است که فقط با پول می‌توان آنها را حل کرد. زمانی که مرد به خاطر بلندپروازی‌هایش در یک تجارت شکست می‌خورد و دست از پا درازتر به منزل برمی‌گردد اگر شما در بانک، کابینت یا زیر فرش مقداری پول نداشته باشید نمی‌توانید به او تسلی خاطر بدهید. بانو، همیشه در انتظار بهترین باش، اما برای بدترین‌ها خودت را آماده نگهدار.

افسانه سیندرلا

می‌خواهم بانوان مجرد را یک نصیحت چندش‌آور کنم، «بگردید و یک شوهر پولدار پیدا کنید و از آن پس رویایی زندگی کنید». این نصیحت از کارتون سیندرلا و زمان کودکی‌تان شکل گرفته است. اگر به این نصیحت اعتقاد دارید مطالعه کتاب «پرنس چارمینگ نخواهد آمد» نوشته باربارا استانی^۱ را به شما توصیه می‌کنم. خانم استانی در این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه در بیست و یک سالگی به یک ارثیه میلیون دلاری می‌رسد اما یک همسر قمارباز که از قرار معلوم در زمینه

Prince charming is't coming – Barbara Stanny.¹

برنامه‌ریزی مالی نیز تحصیل کرده بود تمام این ثروت را در مدت ده سال نابود می‌کند. از این گذشته من یک مرد هستم و می‌خواهم یک اعتراف مردانه کنم. مرد ثروتمند و پولدار همیشه به دنبال پولدارتر از خودش می‌گردد. معمولاً داستان دختر فقیری که با یک مرد ثروتمند ازدواج کرده است را شنیده‌اید، می‌دانید چرا این‌گونه داستان‌ها نقل محافل زنانه می‌شوند؟ به خاطر نادر بودنشان است و تمام ما از شنیدن یا تعریف کردن داستان‌های عجیب لذت می‌بریم. بگذارید آب پاکی را بر روی دستانتان بریزم، به قول خانم اسکاتیش پروورب «به خاطر پول ازدواج نکنید، قرض گرفتن آن برایتان ارزان‌تر تمام می‌شود».

در این بخش فقط روی صحبت‌م با بانوان مجرد نیست، این گفته را می‌توان به بانوان متأهل نیز ارتباط داد. بانوانی که منتظر نشسته‌اند تا همسرشان در کار و تجارت خودش به پول یا موقعیت خوبی برسند و در کنار این موفقیت مالی بانو بتواند به گوشه‌ای از آرزوها و اهداف خودش که در گرو پول است برسد.

من برای شما یک پیشنهاد ساده‌تر و صد البته بهتر دارم، خودتان پولدار شوید. به همین سادگی که این جمله سه کلمه‌ای را خواندید پولدار شدن‌تان نیز ساده و آسان است، البته اگر بخواهید و تمام قوانین بازی را بیاموزید و آن‌ها را موبه‌مو اجرا کنید.

شوهر کارخانه‌دار

در بخش قبل از افسانه سیندرلا گفتم، حالا بیایید باهم یک مثال واقعی ببینیم. عکس زیر شما را به یاد چه چیزی می‌اندازد؟

من شوهرم خیلی پولداره ولی اینقدر تحقیر شدم
 اینقدر اذیت شدم که اومدم اینجا بار بکنم
 که خودم درآمد داشته باشم شوهرم کارخانه داره
 توی جامعه هم خیلی احترام براش قائلند ولی کسی
 از توی خونه ما خبر نداره به موقع سراغش تومن
 می‌گم ۵۰ تومن پول به من بده خرید دارم
 لنگ می‌زنم، تحقیر می‌کنه، حاجی رو می‌زنم
 می‌بازم و هر که ندارم و میرت فاصله خانوادگی
 اینکده الهی
 مارو برقم می‌کنه

این نامه را در یکی از دوره‌های «ثروتمند شدن به سبک زنانه» خانمی به من داد. متن نامه از این قرار است:

من شوهرم خیلی پولداره ولی اینقدر تحقیر شدم اینقدر اذیت شدم که اومدم اینجا یاد بگیرم که خودم درآمد داشته باشم شوهرم کارخانه داره توی جامعه هم خیلی احترام براش قائلند ولی کسی از توی خونه ما خبر نداره به موقع برای ۵۰ تومن می‌گم ۵۰ تومن پول به من بده خرید دارم

کنتک می‌زنه، تحقیر می‌کنه، چایی رو صورتم می‌پاشه و می‌گه ندارم و مرتب فاصله خانوادگی ما رو به رُخ می‌کشه...

در یکی از مشاوره‌هایم خانمی برای یکی از دوستانش به من مراجعه کرده بود. دوستش به خاطر پول با مردی ۷۵ ساله ازدواج کرده بود. همه چیز در ظاهر خوب بود، ماشین آخرین مدل، خانه و ویلای رویایی، مسافرت‌های لاکچری و ... فقط یک مشکل وجود داشت، خانم از ساعت هشت صبح تا شب که همسرش در محل کار بود در منزل حبس می‌شد که مبادا اشتباهی مرتکب شود. وقتی مرد از محل کارش برمی‌گشت زن را به مدت یک ساعت بیرون می‌برد تا هوایی بخورد و تحت هیچ شرایطی حق نداشت جایی تنهایی برود یا باکسی در ارتباط باشد. از خانم پرسیدم آیا دوستش به خاطر پول ازدواج کرد؟ گفت تنها دلیل ازدواجش پول بود. عذرخواهی کردم، حق مشاوره‌ای که پرداخت کرده بودند را عودت دادم و گفتم متأسفم، بنده هیچ کاری نمی‌توانم برای این اتفاق انجام دهم.

این دو اتفاق بسیار تلخ و امثال این‌ها را همه ما شنیده‌ایم اما چطور می‌توان از این موارد بهترین درس را گرفت؟ یادتان است گفتم مرگ برای همسایه نیست و آمادگی کامل داشته باشید؟

رویاها

کمی به گذشته برگردید (از آنجایی که سن بانوان از ۱۸ سال تجاوز نمی‌کند فقط کمی بازگشت در زمان کافی است. ©)، زمانی را به خاطر